

## نگرشی تحلیلی در باب افزایش سرمایه شرکت های ورشکسته و احیاء آنها در پرتو

### حقوق عامه و ماده ۱۴۱ قانون تجارت

زهره معظمی\*<sup>۱</sup>، علی کاظم زاده<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب

<sup>۲</sup> دکترای حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب

#### چکیده

ورشکستگی که تحت عنوان وضع نامطلوب مالی و شکست، عدم پرداخت دیون و ... معروف است ممکن است برای همه شرکتهایی که با عملیات ریسک آور دست به فعالیت می زنند رخ دهد. در ایران ورشکستگی تحت ماده ۱۴۱ قانون تجارت به این صورت تعریف شده است: «اگر بر اثر زیانهای وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود، هیئت مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقای شرکت مورد شور و رأی واقع شود». که این ماده قانون، مبنایی برای برخورد با شرکت های ورشکسته در بورس اوراق بهادار در ایران می باشد. ورشکستگی تجاری ممکن است دلایل متعددی داشته باشد. در کشورهای توسعه یافته این مقوله از طریق سیستم های قانونی مورد توجه و نظارت قرار می گیرد اما در کشورهایی که ثبات تجاری و اقتصادی کمتر است، احتمال ورشکستگی بیشتر می شود، خصوصاً اگر قانون نیز حمایت اندکی از ذینفعان ورشکستگی انجام دهد. سازمان بورس اوراق بهادار به عنوان متولی و نهاد نظارت بر بازار سرمایه هیچ روش اجرایی پیشگیرانه و کنترلی برای جلوگیری از ورشکستگی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ندارد و پس از ورشکستگی رسمی و قانونی شرکتها، پاره های تدابیر و راه حلها را اتخاذ نموده است، در حالی که در این زمان دیگر حمایتی از سرمایه گذاران به عنوان شرکای اصلی بازارهای سرمایه به عمل نمی آید. بنابراین این مهم ضرورت دارد که قوه قضائیه در راستای حفظ حقوق عامه و سرمایه های ملی از اضمحلال صنایع قدیمی ورشکسته جلوگیری خواهد کرد. احیای صنایع ورشکسته در راستای حفظ حقوق عامه و حقوق بیت المال انجام می گیرد و اگر یک مجموعه ورشکسته احیا نشود میزان تسهیلات دریافتی مضمحل شده و سایر سرمایه های آن از بین می رود.

**واژه های کلیدی:** قانون، احیای صنایع ورشکسته، ورشکستگی، حفظ حقوق عامه، سرمایه گذار

## ۱. مقدمه

احیای صنایع ورشکسته را در راستای حفظ حقوق عامه و حقوق بیت‌المال است. تعطیلی کامل و توقف تولید در یک واحد ورشکسته موجب اضمحلال سرمایه کشور خواهد شد و آفتی برای اقتصاد و اشتغال است. راهبرد اصلی مدیر کل تصفیه امور ورشکستگی این است که واحدهای مشکل دار را با اتخاذ راهبردهایی از جمله حفظ ارزش اموال و واگذاری به افراد توانا و کاردان، احیاء کند. اکنون تعداد زیادی پرونده در خصوص ورشکستگی کارخانه‌های تولیدی از سراسر کشور در دست بررسی قرار دارد، ایشان بیان کرد: غیر از پرونده‌هایی که متعلق به اشخاص حقیقی است، در مورد پرونده‌های حقوقی که منافع ملی، اشتغال و اقتصاد مقاومتی در آنها مطرح است به صورت جدی بررسی و برای بازگشت آنها به چرخه تولید تلاش می‌شود. ادامه داد: تاکنون براساس سیاست‌های در دستور کار، کارخانه‌ای را به خاطر ورشکستگی تعطیل نشده و از میان ۵۰ کارخانه‌ای که دوباره به چرخه حیات تولیدی برگشتند، واحدهای زیادی مانند یک کارخانه در آذربایجان شرقی بنام شرکت نساجی خامنه و یا شرکت آلومینیوم پارس در ساوه به گونه‌ای عملکرد تولید و اشتغال داشته اند که در زمره واحدهای نمونه و موفق کشور جای گرفته اند. ایشان بدهی‌های انباشته شده واحدهای تولیدی و صنعتی را مهم‌ترین عامل ورشکستگی و خروج از چرخه تولید صنایع کشور است.

برخی معتقدند که تورم، رکود اقتصادی و تحریم عامل ورشکستگی صنایع است، اما این عوامل به‌تنهایی نمی‌تواند عامل ورشکستگی یک واحد تولیدی و صنعتی باشد، بلکه به‌نظر می‌رسد بدهی‌های انباشته‌ای که در نتیجه دریافت تسهیلات بانکی در اثر سوء مدیریت به‌وجود آمده، مهم‌ترین عامل است.

## ۲- مفهوم شناسی

ماده ۱۴۱ اصلاحیه قانون تجارت مقرر می‌دارد که اگر بر اثر زیان‌های وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود، هیأت‌مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام را دعوت کند تا موضوع انحلال یا بقای شرکت مورد شور و رای واقع شود. هر گاه مجمع مزبور رای به انحلال شرکت ندهد، باید در همان جلسه و یا رعایت مقررات ماده ۱۶ این قانون سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. در مورد مفاد ماده ۱۴۱ این سوال مطرح است که تکلیف هیأت‌مدیره که دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده است و باید بلافاصله پس از آن که بر اثر زیان‌های وارده بیش از نصف سرمایه شرکت از میان رفته باشد انجام شود در چه زمانی محقق می‌شود؟ ماده ۸۹ اصلاحیه قانون تجارت پیش‌بینی کرده مجمع عمومی عادی باید سالی یکبار برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و سایر امور مربوط به حساب‌های سال مالی تشکیل شود و در تبصره آن آمده است: بدون قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی معتبر نخواهد بود. از مدلول ماده ۸۹ چنین برمی‌آید که ترازنامه و حساب سود و زیان فقط پس از ارائه در مجمع عمومی استماع گزارش بازرس و تصویب آن توسط مجمع عمومی اعتبار می‌یابد و در نتیجه همان گونه که منطق هم حکم می‌کند نمی‌توان تکلیف مندرج در ماده ۱۴۱ را به وقتی در میانه سال مالی یا زمانی قبل از تصویب صورت‌های مالی به وسیله مجمع عمومی عادی تسری داد. یعنی قبل از تصویب صورت‌های مالی در مجمع عمومی اصولاً صورت‌های مالی معتبری وجود ندارد که هیأت‌مدیره را براساس آن بتوان مکلف به رعایت مفاد ماده ۱۴۱ کرد.

اگرچه ماده ۱۴۱ اصلاحیه قانون تجارت هیأت‌مدیره را مکلف به دعوت بلافاصله مجمع عمومی فوق‌العاده می‌کند. اما طبق ماده ۲۶۵ عدم رعایت ماده ۱۴۱ حداکثر دو ماه پس از بین رفتن بیش از نیمی از سرمایه موجب مقررات جزایی می‌شود. با توضیحات فوق به نظر می‌رسد اگر هیأت‌مدیره شرکت عدم رعایت مفاد ماده ۱۴۱ اصلاحیه قانون تجارت را مبنی بر دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده دو ماه پس از تصویب صورت‌های مالی در مجمع عمومی عادی رعایت نکند، بازرس باید عدم رعایت مفاد ماده فوق را به عنوان بخشی از وظیفه‌ای که طبق ماده ۱۵۱ به عهده او قرار گرفته است، گزارش کند. اگر چنین است بازرس در سال اولی که زیان انباشته بیش از نصف سرمایه می‌شود تکلیفی در مورد گزارش کردن ندارد، ضمن این که در هر

حال این جمله معمول که «توجه مجمع عمومی را به مفاد ماده ۱۴۱ جلب می‌کند» متنی دو پهلو است که نه عدم رعایت مفاد ماده فوق توسط هیأت‌مدیره را گزارش می‌کند و نه ناشی از وظایف دیگری است که بازرس به عهده دارد. منظور از سرمایه شرکت در واقع همان دارایی شرکت است. اما این دارایی نباید با دارایی زمان تاسیس (که امروزه مبلغ بسیار ناچیزی است) اشتباه شود. ممکن است یک شرکت سرمایه بسیار زیادی داشته باشد و به صورت ناگهانی و بر اثر یک اتفاق، مانند کرونا، نصف سرمایه خویش را زیان بدهد. اهمیت نقش ماده ۱۴۱ به دلیل آن به ویژه در کشور ایران، به شرایط غیر قابل پیش بینی اقتصادی برای بازه بلند مدت بر می‌گردد. متغیرهای زیاد سیاسی، اجتماعی و ... موجب شده است تا برای کارآفرینی و تاسیس واحدهای صنعتی، نتوان دور نمای بسیار طولانی در نظر گرفت. از این رو باید اهرم‌ها و روش‌های قانونی که در زمان مشکلات خاص و کاهش سرمایه شرکت به وجود می‌آیند، همواره مد نظر باشند. با این حال، قانون تجارت و برخی از مواد آن از جمله ماده ۱۴۱ ممکن است پیچیدگی‌های حقوقی نیز داشته باشد.

## ۲-۱- حقوق عامه و شمولیت ماده ۱۴۱

حقوق عامه از ترکیب دو واژه «حقوق» و «عام» تشکیل شده است، حقوق به مجموعه قواعد، تکالیف یا باید و نبایدهایی گفته می‌شود که از بدو شکل‌گیری قانون در جوامع مختلف وجود داشته است. در واقع به نوعی قواعد حاکم بر روابط اشخاص به شکل عام‌تری نیز مطرح شد. لفظ «عامه» اطلاق به کسانی می‌شود که در قلمرو حاکمیتی کشور زندگی می‌کنند، حتی اگر دارای تابعیت نباشند، اما از حیث انسان بودن و وفق تعاریف حقوق بشری، تکالیف و حق و حقوقی برای آن‌ها وجود دارد. افزون بر این حقوق عامه می‌تواند ناظر به انسان‌هایی باشد که حتی در خاک سرزمینی کشور زندگی نمی‌کنند و در این مورد خاص از حیث قوانین و حقوق خارجی و بین‌المللی تکالیف متقابلی بین آن‌ها و نظام تعیین می‌شود. مثل سفرا، دانشجویان مقیم خارج از کشور، تجار و سایر موارد از این قبیل همچنین «حقوق عامه» برای آن بخش از قوانینی که به صورت «ضمنی» یا «رویه‌ای» زیر پا گذاشته می‌شود هم صدق می‌کند.

رای رسیدن به ریشه اصل ۱۵۶ قانون اساسی که در آن عبارت «حقوق عامه» مطرح شده، بهتر است به جلسه مورخ ۱۲ آبان ۱۳۵۸ مجلس بررسی نهایی قانون اساسی که به ریاست شهید بهشتی تشکیل شده بود، مراجعه کنیم که ضمن آن، این اصل مطرح شده است. تعبیری که ابتدا در این جلسه مطرح شده آن است که یکی از وظایف قوه قضاییه به شکل «تمییز حقوق و اقدام متناسب در احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» عنوان شده است. بعداً در جلسه این عبارت به شکل فعلی یعنی «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» تصویب شده، آنچه قابل توجه است این است که با مراجعه به متن مباحثات ملاحظه می‌شود کسی در مورد ترکیب احیای حقوق عامه ابهامی ندارد و بحث‌هایی که مطرح شده در امور دیگر است.

نتیجه اینکه ظاهراً منظور از حقوق عامه و اینکه مصادیق آن که باید احیا شود چیست، اجمالاً بلکه تفصیلاً، برای نمایندگان روشن بوده است. اما در عمل این ترکیب به ظاهر روشن و بدون ابهام ظرف قریب به ۴۰ سال از یک سو تعریف نشده و از دیگر سو به حیطه اجرا در نیامده است.

به نظر می‌رسد حقوق عامه را در معنی اعم آن شاید بتوان به کلیه حقوقی که در فصل سوم قانون اساسی تحت عنوان حقوق ملت آمده، تعریف کرد. در این معنا این تعبیر شامل مصادیق عادی خواهد بود: تساوی حقوق همگانی، برابری حقوق زن و مرد (افراد ملت) در برابر قانون، حقوق زنان و مادران، مصونیت جان و مال حیثیت و مسکن و شغل افراد از تعرض، مصونیت از تفتیش عقاید، آزادی بیان و مطبوعات، منع شنود و افشای مخابرات و مکاتبات، آزادی احزاب و انجمن‌ها، آزادی راهپیمایی و تجمع، آزادی شغل و شرایط مساوی کار، برخورداری از آموزش رایگان، حق داشتن مسکن، حق تابعیت، حق مالکیت مشروع دسترنج و مایملک خود، حق مساوی بر منابع طبیعی و ... بالاخره مصونیت حقوق افراد در مقابل تعرضات ممکن ناشی از اعمال حقوق دیگران.

ترکیب حقوق عامه در معنای اخص می‌تواند دو وجه داشته باشد؛ نخست حقوق عامه قضایی یعنی مصونیت از دستگیری غیرقانونی، مصونیت از تبعید غیرقانونی، حق دادخواهی، حق دفاع (حق داشتن وکیل)، قانونی بودن جرم و مجازات، مصونیت از شکنجه و بالاخره مصونیت متهم و محکوم از هتک حرمت و حیثیت.

دوم حقوق عامه اقتصادی یعنی اموال مجهول‌المالک و بلاوارث، مصونیت جامعه در مقابل رباخواران و مختلسان و سارقان و متجاوزان به حقوق و اموال عمومی و بیت‌المال و مصونیت محیط‌زیست از تعرض.

بند دو اصل ۱۵۶ قانون اساسی -پیش‌گفته- حاوی بیان وظایف آن قوه نسبت به مواردی است که در بند دوم اخیر گفته شد زیرا آنچه به عنوان حقوق عامه در معنای اعم گفته شد وقتی می‌تواند موضوع ورود قوه قضاییه واقع شود که به نوعی و از طرف شخص یا فردی مورد حمله و خدشه قرار گرفته باشد. به عبارت دیگر تامین و حفظ آنها داخل در وظایف دو قوه دیگر یعنی مقننه و مجریه است. قوه مقننه آنجا که این حقوق وجود ندارد یا تبیین نشده‌اند باید به قانون‌گذاری بپردازد و قوه مجریه مسوول حفظ و اجرای آنها در شرایط عادی است. (مهرآرام، ۱۳۹۵: ۶۵).

اگر بند ۲ اصل ۱۵۶ را مطلق و وسیع فرض کنیم آنگاه قوه قضاییه در اموری وارد شود که ذاتا با اختیارات و تبع کار او سازگار نیست مثل مسائل مربوط به مسکن و شغل، آزادی احزاب و انجمن‌ها، آموزش رایگان و سایر مواردی که در بند یک گفته شد. با توجه به مطالب فوق یکی از مهمترین محورهای فعلی صیانت از حقوق عامه را پیگیری اوضاع کارخانه‌ها اعم از خصوصی و دولتی و مراکز تولیدی و بررسی مشکلات این مراکز و جلوگیری از تعطیلی آنها دانست و گفت: موضوع واگذاری‌های غیر قانونی و غیر اصولی واحدهای تولیدی که بعضا منجر به تعطیلی این واحدها می‌شود هم، از مهمترین محورهایی است که می‌تواند به موضوع اقتصاد مقاومتی، حمایت از کالای ایرانی و حمایت از کارگران و تولیدکنندگان کمک کند.

در سطح استان‌های مختلف نیز باید حمایت‌های قوی تری نسبت به انجام وظایف مربوط به صیانت از حقوق عامه انجام شود تا این نیاز ضروری امروز جامعه ما، با همگرایی بیشتر عملی شود و دادستان‌ها نیز در کنار مطالبه گری جدی از دستگاه‌ها با ظرفیت سازی مناسب و جلب همکاری سازمان‌های مختلف و همکاری و تعامل منطقه‌ای با دیگر دادستان‌ها، از فرصت‌های مناسبی در صیانت و احیای حقوق عمومی جامعه ایجاد کنند.

موضوع کلی این است که تعدادی از شرکت‌های بزرگ قدیمی مربوط به قبل از انقلاب مثل ارج، روغن نباتی جهان، داروگر و... عملا از زمانی که مدیریتشان از بخش خصوصی گرفته شد و به دست دولت افتاد در این سی و چند سال رو به تعطیلی و افول رفتند. ورشکستگی کنونی صنایع جدید در دوران پس از انقلاب هم بیش از اینکه به رکود و شرایط اقتصادی کنونی مرتبط باشد ناشی از بعضی از مدیریت غلط دولتی است. کارخانه‌های قدیمی و با ریشه صنعتی کشورمان که هم اکنون با مدیریت دولتی رو به رو هستند و مشکلات عدیده دارند برای نجات از این وضعیت و احیاء نیازمند واگذاری به بخش خصوصی هستند.

ورشکستگی کنونی این صنایع چه صنایع قبل از انقلاب و قدیمی و چه صنایع بعد از انقلاب بیش از اینکه به رکود و شرایط اقتصادی کنونی که مطرح می‌شود؛ ارتباط داشته باشد ناشی بعضی مدیریت غلط دولتی است؛ از لحاظ حقوق عامه این مجموعه‌های ریشه دار قابل احیاء هستند و محصولاتشان می‌تواند با بهترین کیفیت و به روز بار دیگر به بازار برگردانده شود به شرط اینکه به صورت واقعی به بخش خصوصی واگذار شوند. بخش خصوصی توانمند کشور می‌تواند رونق را دوباره به این مجموعه‌های ارزشمند و ریشه‌ای بازگرداند. رقابت در دنیای کالاهای مصرفی بسیار حساس و پیچیده است و در صورت احترام نگذاشتن به انتخاب مشتری و به روز نشدن محصولات، تعطیلی برند و یا کارخانه تولیدی امری بدیهی است. مردم ایران سال هاست که با برند داروگر و شامپوی دارمو آشنا هستند اما تولید تنها یک برند تکراری از یک نوع شامپوی معمولی، خود بخود مصرف کننده را به سمت برندهای معتبر دیگر که محصولات متنوع تری را در اختیار مشتریان می‌گذارند سوق می‌دهد. در این راستا دولت و بانک مرکزی باید تمامی کارخانجات را به دو گروه ورشکسته و قابل نجات تقسیم کند. در این تقسیم‌بندی کارخانجات که دارایی و مجموع اموال آنها بیش از تعهدات باشد در گروه قابل نجات قرار می‌گیرد. به عقیده صاحب‌نظران این گروه از کارخانجات هم آن‌هایی هستند که فاقد دارایی نقدی بوده اما از پشتوانه خوبی برخوردار هستند.

بعد از شناسایی نوبت به ادغام می‌رسد این رویکرد به دو شکل قابل اجرا است، تجمیع می‌تواند به صورت دو ادغام موسسه ورشکسته با قابل نجات که به تنفس بیشتری نیاز دارد باشد یا اینکه یک موسسه با فعالیت سالم تمامی مشکلات موسسه ورشکسته را به دندان بکشد.

## ۲-۲-۲ تکلیف هیئت مدیره به دعوت مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام

در حالتی که شرکت حداقل پنجاه درصد از سرمایه خود را از دست داده است، هیئت مدیره شرکت مکلف است که صاحبان سهام را برای تشکیل جلسه ای موسوم به مجمع عمومی فوق العاده دعوت نماید. مجمع عمومی شرکت ها معمولاً هر سال و برای ضبط و ربط امور شرکت تشکیل می‌گردد، اما ماده ۱۴۱ یکی از مواردی است که هیئت مدیره را مکلف می‌کند که این مجمع را به طور فوق العاده دعوت و تشکیل دهد.

## ۲-۲-۱ تصمیم مجمع عمومی فوق العاده

مجمع عمومی فوق العاده ای که به دعوت هیئت مدیره شرکت تشکیل می‌گردند، ابتدا به ساکن باید در رابطه با انحلال و یا بقای شرکت تصمیم‌گیری کند.

اگر تصمیم به انحلال گرفته شود که باید مطابق با قانون، فرآیند انحلال شرکت آغاز گردد. در صورتی که تصمیم به بقای شرکت گرفته شد، در ادامه ماده، تعیین تکلیف شده است. (دمیرچلی و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۰).

”... هرگاه مجمع مزبور رای به انحلال ندهد باید در همان جلسه و با رعایت مقررات ماده ۶ این قانون سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد.”  
ماده ۶ قانون تجارت مقرر می‌دارد که:

”برای تاسیس شرکت‌های سهامی عام موسسین باید اقلاً بیست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لاقلاً سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را در حسابی به نام شرکت در شرف تاسیس نزد یکی از بانک‌ها سپرده سپس اظهارنامه‌ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام که به امضاء کلیه موسسین رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکت‌ها و در شهرستان‌ها به دایره ثبت شرکت‌ها و در نقاطی که دایره ثبت شرکت‌ها وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند.

تبصره - هرگاه قسمتی از تعهد موسسین به صورت غیر نقد باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آن را در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است تودیع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهارنامه و ضمائم آن به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم نمایند.”

مطابق با ماده فوق اگر هیئت مدیره مبادرت به دعوت مجمع عمومی ننماید، هر ذی نفع میتواند، انحلال شرکت را از دادگاه بخواهد. (میرزائی فرد، ۱۳۹۳: ۴۸).

منظور از کاهش سرمایه معمولاً تعدیل نیروهای انسانی و حقوق بگیران، کاهش حقوق و فروش ماشین آلات است تا مجموعه بتواند حیات خود را حفظ کند و در حقیقت پیش از آنکه کار از کار بگذرد، چاره‌ای اندیشیده شود.

## ۲-۲-۲ شرایط کاهش سرمایه در شرکت های سهامی

در شرکت های سهامی، گاهی لازم میشود سهامداران مبلغ سرمایه شرکت را از میزان اولیه کاهش دهند. این حالت که کاهش اجباری سرمایه نام دارد به طرق زیر انجام می‌شود:

در شرکت های سهامی هر ورقه سهام دارای یک مبلغی است که به آن ارزش اسمی سهام می‌گویند. یکی از طرق کاهش سرمایه شرکت، کاهش مبلغ اسمی سهام آن می‌باشد. به طور مثال اگر ارزش ریالی هر سهم دو میلیون ریال باشد، می‌توانیم آن را به ارزش یک میلیون ریال یا کمتر کاهش دهیم و از این طریق میزان سرمایه شرکت را کاهش دهیم.

همچنین می توان از طریق کاهش تعداد سهام، سرمایه شرکت را کاهش داد. به طور مثال شرکتی که صد هزار سهم دو میلیون ریالی دارد می توان سرمایه شرکت را از طریق کاهش تعداد سهام به پنجاه هزار یا کمتر کاهش داد. (کاوینی، ۱۳۹۱: ۸۱).

### ۳- ماده ۱۴۱ قانون تجارت برسر خودروسازان

صنعت خودرو طی سال های گذشته همواره جزو صناعی بوده که بدهکار و زیان ده بوده است. بدهی و وضعیت بد خودروسازان از سال گذشته به اوج خود رسیده است. خودروسازان بدهی روی بدهی گذاشته اند. بانک ها، بیمه ها، قطعه سازان و ... در لیست بلندبالای بدهی خودروسازان قرار دارند. این بدهی باعث شده است خودروسازان مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت قرار بگیرند؛ قانونی که شرکت ورشکسته را از غیرورشکسته جدا می کند و مشخصات شرکت ورشکسته را نشان می دهد. به منظور رفع ورشکستگی خودروسازان، چند وقتی است که بحث تجدید ارزیابی دارایی های شرکت های خودروساز مطرح شده است. در صورتی که تجدید ارزیابی انجام شود، سرمایه شرکت ها افزایش پیدا می کند و آن ها می توانند از زیر سایه ماده ۱۴۱ قانون تجارت خارج شوند. در حال حاضر وزارت صمت به شدت پیگیر این موضوع و خواهان اجرایی شدن آن است.

### ۳-۱ کاهش یا افزایش سرمایه خودروسازان و اصلاح ساختار مالی

وضعیت ایران خودرو و سایپا از منظر بنیادی در شرایط ماده ۱۴۱ قانون تجارت قرار دارد. یعنی زیان انباشته آن ها از ۵۰ درصد سرمایه گذر کرده است. در این شرایط، دو راه پیش روی آن ها است؛ راه اول کاهش سرمایه است و راه دوم افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی هاست. با توجه به تصویب قانون معافیت مالیاتی تجدید ارزیابی ها، این دو شرکت باید برای اصلاح ساختار مالی از این فرآیند استفاده کنند. وضعیت نابه سامان مالی خودروسازان نیاز به اصلاح ساختار مالی در آن ها را دوچندان کرده است. دولت سال هاست وام های بلاعوض سنگینی به آن ها پرداخت می کند و زیان این صنعت روز به روز بیشتر می شود. واگذاری به بخش خصوصی، تعدیل نیرو، فروش دارایی های مازاد، اصلاح ترکیب سهامداری و سرمایه گذاری، رقابتی شدن بازار، تلاش برای افزایش کیفیت و قدرت رقابت پذیری از جمله راهکارها برای نجات این صنعت است. طرح تحول صنعت خودرو مانند آنچه در مورد صنعت بانکداری رخ داد، باید زودتر کلید بخورد.

### ۳-۲ تجدید ارزیابی دارایی ها و شفاف سازی

بسیاری از کارشناسان معتقدند افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی در بازار سرمایه می تواند اثرات مثبتی به جای بگذارد. شفافیت، نخستین اثر تجدید ارزیابی دارایی های خودروسازان و البته هر واحدی است که اقدام به تجدید ارزیابی می کند. شفاف بودن سمت راست ترازنامه موضوعی است که بسیاری از کارشناسان بازار سرمایه بر آن تاکید دارند. چراکه طی سال های اخیر به دلیل تورم شدیدی که در کشور وجود داشته، ترازنامه مالی شرکت ها قابلیت مقایسه خود را از دست داده است. وضعیت ترازنامه خودروسازان نیز با افزایش سرمایه و اصلاح ساختارهای مالی بهبود پیدا خواهد کرد و پس از مدت ها این شرکت ها شاهد خروج از زیان دهی خواهند بود. ضمن اینکه پس از افزایش سرمایه و بهبود وضعیت مالی خودروسازان باید فکری به حال زیان ده بودن آن ها شود.

### ۳-۴ تاثیر افزایش سرمایه بر سهام خودروسازان

افزایش سرمایه شرکت های خودروساز از محل تجدید ارزیابی دارایی ها قطعاً اثر مثبتی بر قیمت سهم آن ها خواهد گذاشت. پیش بینی می شود قیمت هر سهم این خودروسازان پس از تجدید ارزیابی تا دو برابر افزایش پیدا کند. این افزایش قیمت سهم برای ایران خودرو بیش از سایپا پیش بینی شده است. در این خصوص بسیاری از کارشناسان معتقدند ایران خودرو برای خروج از ورشکستگی به افزایش سرمایه ای بیش از یک هزار درصد نیازمند است. موردی که با انجام آن قطعاً سهم این خودروساز در بازار سرمایه جذاب خواهد شد و تقاضا برای آن را افزایش می دهد.

### ۳-۵ پتانسیل رشد سهام خودروسازان

طی ماه های اخیر سهام خودروسازان با نوسانات بسیاری مواجه بوده است. اما بسیاری از کارشناسان از پتانسیل رشد سهام خودروسازان خبر می دهند. کارشناسان در این خصوص اتفاق نظر دارند که سهم ایران خودرو و سایپا دارای رشد بسیاری است.

در این بین سهم ایران خودرو با وجود رشد قیمت تقریباً صد درصدی در چند ماه اخیر، هنوز پتانسیل رشد قیمت دارد. علاوه بر این در صورت افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی، قیمت سهم پس از بازگشایی بسیار پایین خواهد بود. بنابراین با در نظر گرفتن خبر تجدید ارزیابی دارایی‌های ایران خودرو، سهم، پتانسیل لمس قیمت‌های بالاتر را خواهد داشت.

#### ۴- معافیت مالیاتی افزایش سرمایه و ماده ۱۴۱

یک راه پیشگیری از ورود شرکت به فهرست مشمولین ماده ۱۴۱، معافیت مالیاتی است. در واقع طبق شروطی که کارشناسان معتمد آن را ارزیابی می‌کنند، برخی از شرکت‌ها می‌توانند از معافیت مالی موقت بهره‌مند شوند. در این صورت، کمبود سرمایه تا رسیدن به مقدار مناسب، از راه معافیت مالیاتی تامین خواهد شد.

معافیت مالیاتی نیز مراحل سختگیرانه و کارشناسی خاص خود را دارد. کارشناسانی که مجموعه را از نظر اموال، دارایی‌ها و گردش کار بررسی و مشخص می‌کنند که آیا این مجموعه امکان دریافت معافیت‌های مالیاتی را دارد یا خیر. حضور حسابدار حرفه‌ای در چنین شرایطی است که می‌تواند به داد یک مجموعه برسد. در نهایت به نظر می‌رسد بهترین راه برای پیشگیری از عواقب جزایی نقض قانون تجارت، بررسی درست وضعیت سرمایه و معرفی به موقع به عنوان مشمول این ماده قضایی است.

در تبصره الحاقی و اصلاح شده ماده (۲) این طرح آمده است: شمول احکام این قانون به دستگاه‌های زیر نظر مقام معظم رهبری، منوط به اخذ استعلام رئیس هیات نظارت موضوع ماده (۲۰) این قانون و با اذن مقام معظم رهبری می‌باشد. براساس تبصره اصلاحی بند الف ماده ۵؛ چنانچه دستگاه‌های موضوع ماده (۲) این قانون پس از استعلام از شورای عالی امنیت ملی و تأیید این شورا، ارجاع کار به شرکت‌های ثبت شده در سامانه موضوع ماده (۴) این قانون را مغایر مصالح امنیتی و دفاعی کشور بدانند، ارجاع کار به شرکت‌های ثبت نشده در سامانه بلامانع است.

در ماده اصلاحی ۱۵ آمده است: به منظور رونق تولید و ایجاد اشتغال از طریق اصلاح ساختار مالی شرکت‌ها و کارآمدسازی افزایش بهای ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌های اشخاص حقوقی موضوع حکم مقرر در تبصره یک ماده ۱۴۹ قانون مالیات مستقیم با اصلاحات و الحاقات بعدی، افزایش سرمایه از این محل مجاز و مشروط بر این است که ظرف مدت یکسال پس از تجدید ارزیابی به حساب سرمایه افزوده شده و این امر فقط یک بار در هر ۵ سال امکان پذیر است.

#### ۴- اقدامات شرکت‌ها پیش از مشمولیت ماده ۱۴۱، تجدید ارزیابی دارایی‌ها، افزایش سرمایه یا فرار از ورشکستگی

یکی از عوامل تاثیرگذار در رشد پیاپی بازار سهام در سال جدید افزایش سرمایه شرکت‌های بورسی بود؛ افزایشی که نه از طرق حقیقی، بلکه از روش ارزیابی مجدد یا به‌روز کردن قیمت دارایی‌های این شرکت‌ها رخ داده است. از آنجایی که قیمت ارز از سال گذشته تاکنون جهشی چندبرابری را تجربه کرده است، ارزیابی دارایی‌های شرکت‌ها مطابق با نرخ‌های جدید ارز توانست بدون هیچ عملکردی ارزش سرمایه آنها را چند برابر کند. یک کارشناس بازار سرمایه معتقد است: افزایش سرمایه روی شرکت‌هایی که دارایی آنها بر اثر افزایش نرخ دلار از ارزش بیشتری برخوردار شده می‌تواند اثرگذار باشد اما در کنار آن ممکن است مشکلاتی را هم با خود برای شرکت به همراه داشته باشد.

شرکت‌ها طی چرخه حیات خود در مقاطعی از زمان به دلایل مختلف نیاز به منابع مالی بیشتری نسبت به آنچه در اختیار دارند، پیدا می‌کنند. یکی از روش‌هایی که می‌توانند به این منابع مالی جدید دست پیدا بکنند افزایش سرمایه است. در بورس حتی خبر افزایش سرمایه یک شرکت نیز می‌تواند قیمت سهام آن را دستخوش تغییرات قابل توجهی بکند.

معمولاً روند افزایش سرمایه در شرکت‌ها به این شکل است که در مرحله اول هیات‌مدیره شرکت پیشنهاد خود را به همراه دلایل کافی در خصوص افزایش سرمایه به سهامداران شرکت ارائه می‌کند. این پیشنهاد در مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت مورد رای‌گیری سهامداران شرکت قرار می‌گیرد. سپس در صورت تصویب این پیشنهاد در مجمع و پس از ارایه مجوز از سوی



بورس، افزایش سرمایه شرکت صورت می‌گیرد. قیمت سهام شرکت پس از افزایش سرمایه، دستخوش تغییر می‌شود. این‌که افزایش سرمایه شرکت از چه روشی انجام شود، اثر متفاوتی در این تغییرات قیمت دارد. (عبادی، ۱۳۹۱: ۷۲).

اگر بخواهیم یک دسته‌بندی از انواع روش‌های افزایش سرمایه داشته باشیم، می‌توان ۴ دسته کلی در نظر گرفت که شامل افزایش سرمایه از محل سود انباشته (سهام جایزه)، از محل آورده نقدی و مطالبات حال شده سهامداران، از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها، به روش صرف سهام می‌شود. در افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها، شرکت دارایی‌های ثابت مشهود خود را نظیر زمین، ساختمان، ماشین‌آلات و تجهیزات، سرمایه‌گذاری‌ها و... را مورد تجدید ارزیابی قرار می‌دهند. با این کار ارزش دارایی‌های شرکت در ترازنامه به روز می‌شود. در نتیجه از آنجایی که معادله حسابداری در ترازنامه باید برقرار باقی بماند و بدهی‌های شرکت نیز تغییری نکرده، سرمایه شرکت باید افزایش پیدا بکند تا این معادله برقرار بماند. در این روش نیز پولی به شرکت وارد نمی‌شود و فقط یک عملیات حسابداری در صورت‌های مالی شرکت رخ می‌دهد. در این روش نیز به همان مقدار که تعداد سهام افزایش پیدا می‌کند قیمت آن کاهش پیدا می‌کند، در نتیجه تغییری در دارایی رخ نمی‌دهد. بطور مثال اگر یک قطعه زمین را در سال ۱۳۷۰ به قیمت ۱۰۰ میلیون ریال خریداری کرده است و تا زمان حاضر کماکان مالکیت زمین از آن شرکت است، زمین در سال ۱۳۹۷ به قیمت همان ۱۰۰ میلیون ریال در دفاتر ثبت هست. درحالی‌که ارزش روز آن ۱۰۰ میلیارد است. حال اگر شرکت مزبور به دنبال اجرای افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها از طریق به‌روز کردن قیمت زمین باشد بایستی پس از ارزیابی‌های کارشناسی و اخذ تمامی مجوزها در ترازنامه قیمت زمین را به ۱۰۰ میلیارد ریال افزایش داده و مابه‌التفاوت ۱۰۰ میلیارد ریال و ۱۰۰ میلیون ریال را به حساب سرمایه منظور می‌کند.

بر اساس آنچه از اولین تجربه اجرایی افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها تا به امروز مشاهده شده هر سهمی که اقدام به این کار می‌کند با اقبال سهامداران روبرو می‌شود و از زمانی که گزارش طرح توجیهی افزایش سرمایه در سامانه کدال منتشر می‌شود، تا قبل از برگزاری مجمع با اقبال خوبی همراه می‌شود و رشدهای بعضاً چند صددرصدی را نصیب سرمایه‌گذاران کرده است که با توجه به نکات فوق به نظر می‌رسد یک مساله روانی بوده و شاید تنها دلیل بنیادی که بتوان برای آن ذکر کرد این است که با بزرگ‌تر شدن دارایی‌های شرکت و از طرفی ارزش دفتری آن انتظار سرمایه‌گذاران بر این است که قیمت سهم رشد کند. درحالی‌که طی افزایش سرمایه قیمت سهم اختلاف فاحشی با ارزش دفتری هر سهم پیدا می‌کند و همین عامل موجب می‌شود تا قبل از برگزاری مجمع قیمت سهم طی معاملات رشد چشمگیری کند. حال اگر شرکت مزبور بتواند طی معاملاتی زیان انباشته را صفر یا به سود انباشته تبدیل کند قیمت سهم رشد دوچندانی را تجربه خواهد کرد.

کارشناسان درباره اینکه کدام یک از روش‌های افزایش سرمایه مناسب‌تر است، معتقدند هرچند ساختار شرکت‌ها با یکدیگر تفاوت دارد و نمی‌توان یک نسخه کلی برای همه شرکت‌ها در نظر گرفت، اما به صورت کلی آن نوع از افزایش سرمایه که باعث شود منابع جدید به شرکت وارد شود می‌تواند وضعیت بهتری را برای شرکت ایجاد کند. پس افزایش سرمایه از آورده نقدی و از طریق صرف سهام می‌تواند به صورت کلی بهتر قلمداد شود. همچنین روش تجدید ارزیابی دارایی‌ها از آنجایی که عملاً پولی وارد شرکت نمی‌شود، صرفاً یک عملیات حسابداری برای بهبود صورت‌های مالی شرکت محسوب می‌شود. روش سود انباشته نیز مزیت اصلی که دارد این است که باعث می‌شود حداقل سود انباشته شرکت از آن خارج نشود و در شرکت باقی بماند و مورد استفاده قرار گیرد.

#### ۴-۱ افزایش سرمایه از محل دارایی‌های استهلاک‌پذیر و استهلاک ناپذیر

وقتی یک دارایی استهلاک‌پذیر مانند تجهیزات تولیدی یک کارخانه تجدید ارزیابی می‌شود بر طبق قانون مالیات‌های مستقیم بایستی طبق فرمول محاسبه استهلاک دارایی طی دوره تعریف‌شده مستهلاک می‌شود. با این تفاوت که در حالت جدید مبلغ ریالی هزینه استهلاک بسیار سنگین‌تر است. در نتیجه اثر منفی سنگینی بر سودآوری شرکت داشته و موجب افت سنگین سود خالص هر سهم می‌گردد (اگر چنانچه عملیات شرکت زیانده باشد مبلغ ریالی زیان هر سهم را افزایش می‌دهد و در نتیجه در سال‌های آینده موجب افت شدید سود هر سهم و در نتیجه نسبت قیمت به درآمد هر سهم (P/E) می‌شود. همچنین در این



حالت نسبت‌های مهمی چون بازده حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی‌ها و بازده دارایی‌های ثابت (که معیارهای مهم جهت ارزیابی عملکرد شرکت هستند) و همچنین حاشیه سود ناخالص و حاشیه سود خالص افت شدیدی را تجربه خواهند کرد. در حالت دوم یعنی تجدید ارزش‌گذاری دارایی‌های استهلاک ناپذیر صرفاً ارزش روز دارایی که عموماً چند ده برابر ارزش دفتری آن هست بزرگ‌تر شده و چون هزینه‌ای را به شرکت وارد نمی‌آورد نسبت به حالت قبل نسبت‌های مالی مهم مذکور را کمتر تحت تأثیر قرار می‌دهد.

عموماً شرکت‌هایی که در عملیات اصلی خود با مشکل مواجه هستند و زیان انباشته سنگینی دارند از این روش بهره می‌برند و در نتیجه عموم این شرکت‌ها مشکلات عدیده‌ای در فرایند عملیاتی خود دارند و حتی اگر طی انجام معاملاتی بتوانند ضمن خروج از شمولیت ماده ۱۴۱ زیان انباشته خود را صفر یا به سود انباشته برسانند اما چون عملیات اصلی آنها زیانده است طی چندین سال مالی مجدداً زیانده خواهند شد و در صورت‌های مالی آنها شاهد زیان انباشته سنگین خواهیم بود. همچنین نسبت‌های مالی مهم دیگری همچون گردش دارایی‌های ثابت و ضریب حقوق صاحبان سهام (از تقسیم کل دارایی‌ها به حقوق صاحبان سهام به دست می‌آید) نیز افت می‌کند که از لحاظ عملکرد مدیریتی در نگاه اول یک اشکال محسوب می‌شود. اما یکی از نکات مثبت در این فرایند هم چون سایر روش‌های افزایش سرمایه بهبود نسبت بدهی و در نتیجه افزایش ظرفیت وام‌گیری توسط شرکت جهت تأمین مالی فعالیت‌ها هست که البته در صورتی که به‌درستی مدیریت نشود می‌تواند موجب افزایش هزینه‌های مالی شرکت شود در حالی که هیچ عایدی مثبتی برای شرکت نداشته است. تمامی توضیحات زمینه افت قیمت سهام پس از فروکش کردن هیجانات ناشی از افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی را در بازار رقم می‌زند و همین عامل موضوعی است که می‌تواند به عنوان یک نکته مهم مورد توجه قرار گیرد.

#### ۴-۲ تأثیر تجدید ارزیابی بر روند معاملات

یک کارشناس بازار سرمایه گفت: افزایش سرمایه روی شرکت‌هایی که دارایی آنها بر اثر افزایش نرخ دلار از ارزش بیشتری برخوردار شده می‌تواند اثرگذار باشد اما در کنار آن ممکن است مشکلاتی را هم با خود برای شرکت به همراه داشته باشد. میثم کریمی به تأثیر افزایش سرمایه شرکت‌ها از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر روند معاملات بازار سرمایه اشاره کرد و افزود: اگر یک شرکت از استراتژی خاصی برای سودآوری برخوردار نباشد، یا برنامه‌ریزی خاصی را برای اصلاح ساختار شرکت از طریق آن دارایی که قرار است وارد شرکت شود نداشته باشد، این تجدید ارزیابی همانند ریختن بنزین بر روی کنده خیس درخت است که ممکن است در ابتدا برگردد اما در انتها دود آن به چشم همه حاضران مربوط به شرکت خواهد رفت. افزایش سرمایه به عنوان یک ابزار در کشورهای به کار گرفته می‌شود که دارایی یا پول رایج آن کشور در حال نزول است، گفت: در این زمان افزایش سرمایه به عنوان ابزاری تلقی می‌شود تا شرکت‌ها بتوانند از محل تجدید ارزیابی افزایش دارایی‌ها نقدینگی داشته باشند. این کارشناس بازار سرمایه با اعتقاد بر اینکه افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی مخالفان و موافقان را با خود به همراه دارد، اظهار داشت: مخالفان این اقدام معتقدند، شرکت‌هایی که مشمول قانون ۱۴۱ قانون تجارت هستند از این راه استفاده می‌کنند تا از شرایطی که در آن قرار دارند خارج شوند اما نباید این نکته را فراموش کرد که تنها این اقدام نمی‌تواند به بهبود عملکرد شرکت‌ها کمک کند.

افزایش سرمایه و به‌روز کردن دارایی‌ها یک روزی شامل مالیات می‌شوند و یک سری هزینه‌های مالی را برای شرکت‌ها ایجاد می‌کنند که این موضوع می‌تواند شرکت‌ها را با بحران همراه کند.

اگر شرکت برنامه‌ای را برای بهبود و بازسازی ساختارها داشته باشد افزایش ارزش سرمایه کار مثبتی تلقی می‌شود در غیر این صورت در آینده برای شرکت موردنظر محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند.

افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی می‌تواند زیان‌های مربوط به شرکت‌هایی را که از دارایی مشهود برخوردارند جبران کند و همچنین این صنایع می‌توانند جزو صنایعی باشند که افزایش سرمایه به نفع آنها است.

رعایت مفاد قانون تجارت از طرف مدیران چنانچه که بلافاصله بعد از شمول م ۱۴۱ ق ت مدیران شرکت در چهارچوب قانون با ابزاری قبل افزایش سرمایه، کارشناسی و تجدید ارزیابی اموال به جهت بالا بردن سرمایه شرکت و جلوگیری از ورشکستگی و

عقد قراردادهای شبیه ارفاقی با بستانکاران هم چنین با توجه به دستور ریاست محترم قوه قضاییه و ورود دادستان های محترم کشور در جلوگیری از تعطیلی کارخانه ها توسط بستانکاران خصوصاً بانک ها که تاثیر بسیار زیادی از جلوگیری در ورشکستگی کارخانه جات و حفظ حقوق عامه تاجر و بستانکاران و سهامدار و ... دارد.

#### ۶- اقدامات بعد از ورشکستگی ماده ۱۴۱

عموماً در سالیان اخیر کلمه ورشکستگی علاوه بر قبح و معنای عرضی آن به منزله نابودی کارخانه با فرسودگی اموال در حین عملیات تصفیه بود با برنامه های مدیر کل محترم اداره تصفیه امور ورشکستگی آقای دکتر دکتر نعمت اله حاجعلی در حال حاضر سیاست این اداره احیاء و نجات کارخانجات و موسسات ورشکسته و ایجاد اشتغال به روش های مختلف توسط ورشکسته یا داوطلب غیر می باشد.

این اداره شرکت های متعددی را با این سیاست ها علاوه بر احیاء و ایجاد اشتغال از ورشکستگی نجات داده و به مهمترین دغدغه مسئولیت کشور که همان اشتغال است اهتمام ورزیده است به عنوان مثال تنها راه تصفیه و احیاء واگذاری مجموعه در قالب مزایده نمی باشد بلکه با عقد قراردادهای اجاره با اشخاص غیر علاوه بر احیای کارخانه و کسب درآمد و حفظ اشتغال از محل درآمد کارخانه نسبت به بازسازی و احیاء کارخانجات اقدام و ضمن جلوگیری از فرسودگی و رعایت غبطه بستانکاران کارخانجات را بعد از احیاء به مزایده گذاشته و طبعاً انگیزه بیشتری نسبت به خرید کارخانه احیاء شده تا کارخانه فرسوده وجود دارد و شخص با شرکت احیاء نشده دارای اولویت خرید در واگذاری است و در غیر این صورت و فروش به غیر سرمایه گذاری انجام شده بابت بازسازی که با نظارت ناظر و کارشناس رسمی دادگستری تعیین شده انجام پذیرفته بعد از واگذاری و فروش پرداخت می گردد.

احیای حقوق عامه با تحول در نظام هنجارها و ساختارهای قضایی بیان می دارد که احساس عدالت و اعتماد به دستگاه قضا به تبع نظارت قضایی بر تامین و استیفای حقوق شهروندان در مردم فراهم می شود. مطالبه ای که رهبری نیز مکرراً از قوه قضاییه داشته است. به نظر می رسد که مطالبه تغییر جدی در نظام هنجارها و ساختارهای احیای حقوق شهروندی، از الزامات این رویکرد است. الگوی پیشنهادی، شامل وضع قانون در خصوص حق های بنیادین، اصلاح ساختارهای قضایی و امکان مراجعه و طرح دعوا علیه تمامی نهادهای دارای اقتدارات ویژه اعم از دولتی و غیردولتی، و امکان مشارکت جدی به ساختارهای غیررسمی است.

شماره: ۱۰۱ تاریخ: ۱۳۹۷/۷/۲۳ صفحه: ۱ از ۱	بسمه تعالی <b>پاسخ به پرسشهای فنی</b>	 سازمان حسابداری کمیته فنی
<p style="text-align: right;"><b>پرسش</b></p> <p>چنانچه شرکت با استفاده از بند "ز" تبصره "۱۰۰" ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۷، برای خروج از شمول ماده ۱۴۱ اصلاحیه قانون تجارت، اقدام به افزایش سرمایه از محل مازاد ایجاد شده ناشی از تجدید ارزیابی داراییها (که قبل تبصره یک ماده ۱۴۹ قانون مالیاتهای مستقیم اصلاحی مصوب ۱۳۹۲/۲/۳۱ انجام شده است) نماید، آیا در گزارش توجیهی هیئت مدیره دریاوه افزایش سرمایه که در اجرای ماده ۱۶۱ اصلاحیه قانون تجارت تهیه می شود، ارائه اطلاعات مالی آتی ضروری است؟</p>		
<p style="text-align: right;"><b>پاسخ:</b></p> <p>طبق بند ۱۸ دستورالعمل "تهیه و ارائه گزارش پازرس قانونی در مورد رسیدگی به گزارش توجیهی هیئت مدیره در خصوص افزایش سرمایه" در مواردی که افزایش سرمایه به موجب قوانین و مقررات خاص الزامی می شود گزارش هیئت مدیره حاوی اطلاعات مالی آتی نیست. اگر چه حسب ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۷، انجام افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی داراییها اختیاری است لیکن این اختیار با هدف اصلاح ساختار مالی شرکتها اعطا شده و از این بابت متابع جدید به شرکت وارد نمی شود. در چنین شرایطی کاربرد بند ۱۸ دستورالعمل، ناقض بند ۲۱ آن نیست و لذا، ارائه اطلاعات مالی آتی به طور کامل ضرورت ندارد، اما ارائه اطلاعاتی نظیر آثار مالی انجام ناشی از این امر بر نتایج عملیات آتی، از جمله افزایش هزینه استهلاک سالهای مالی آتی، در گزارش توجیهی، برای استفاده کاربران ضروری است.</p>		
<div style="text-align: right;">کمیته فنی:</div> 	<div style="text-align: right;">متابع دیگری که می توان به آن مراجعه نمود:</div> <div style="text-align: center;">@ACCPress</div>	

## نتیجه گیری

برخی از صنایع هم‌اکنون در حال فعالیت در حوزه تولید هستند، اما میزان درآمد ماهانه آن‌ها تنها پاسخگوی هزینه‌های جاری شرکت است و منابع مالی برای پرداخت تسهیلات بانکی که در گذشته دریافت کردند، ندارند و پس از مدتی بدهی‌های مالی انباشته شده که جرائم بانکی و خسارت تأخیر و تأدیه نیز بدان افزوده می‌شود، شرکت را با ورشکستگی و خروج از چرخه تولید مواجه می‌کند.

قوه قضاییه با حمایت اداره کل تصفیه و امور ورشکستگی قوه قضائیه در بیش از سه سال اخیر، افزون بر ۵۰ شرکت ورشکسته را در سراسر کشور احیاء نموده و به چرخه اقتصاد برگشتند و برای بالغ بر ۶ هزار نفر نیروی کار در این واحدهای تولیدی و صنعتی اشتغال ایجاد شده است.

احیاء صنایع ورشکسته را در راستای حفظ حقوق عامه و حقوق بیت‌المال بیانگر این است که تعطیلی کامل و توقف تولید در یک واحد ورشکسته موجب اضمحلال سرمایه کشور خواهد شد و آفتی برای اقتصاد و اشتغال است.

سیاست دستگاه قضایی جلوگیری از هدررفت سرمایه ملی است و در انجام وظایف قانونی خود حمایت قضایی لازم را در صورت ارجاع شرکت‌های تولیدی ورشکسته به اداره کل تصفیه و امور ورشکستگی قوه قضائیه برای بازگشت به چرخه تولید و اقتصاد کشور به کار خواهیم بست.

اجرای قانون در مورد ورشکستگی واحدهای تولیدی و صنعتی را از وظایف دستگاه قضایی است و فرآیندی که یک شرکت ورشکسته باید طی کند، اجرای مزایده و پرداخت بدهی شرکت است که نتیجه آن، توقف فعالیت واحد تولیدی خواهد بود، اما رویه دستگاه قضایی، حمایت از تولید و احیاء این شرکت‌ها در راستای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و عمل به منویات رهبر معظم انقلاب در حوزه اشتغال و تولید است.

ایشان واحدهای تولیدی و صنعتی آلومینیوم پارس و گاز لوله و... را از جمله شرکت‌های احیاء شده بعد از ورشکستگی عنوان کرد و افزود: با تلاش اداره کل تصفیه و امور ورشکستگی قوه قضائیه به‌جای تعطیلی این واحدهای تولیدی و صنعتی شاخص شاهد پویایی و از سرگیری تولید و ایجاد اشتغال برای قریب به هزاران نفر در این واحدها هستیم، به گونه‌ای که در حال حاضر از نظر تولید در شرایطی قرار دارند که از بدو تأسیس تا کنون هیچ‌گاه از نظر کیفیت در تولید و اشتغال این‌گونه نبوده است و این روند مطلوب در حالی صورت می‌گیرد که برخی از صنایع در رکود متأثر از تحریم‌ها به سر می‌برند.

به منظور اطلاع از روند فعالیت شرکت‌های احیاء شده توسط اداره کل تصفیه و امور ورشکستگی قوه قضائیه، بازدیدهای مستمر و دوره‌ای انجام و چنان‌چه موانع احتمالی پیش روی تولید قرار گرفته باشد، برطرف و برای رونق تولید تصمیم‌گیری می‌شود.

نوسازی ماشین‌آلات، ارتقاء فناوری برای رونق تولید و رصد دقیق بخش‌های مختلف واحدهای صنعتی و تولیدی احیاء شده، از جمله سیاست‌های اداره کل تصفیه و امور ورشکستگی قوه قضائیه پس از احیاء صنایع ورشکسته است.

طبق سیاست‌های اداره کل تصفیه امور ورشکستگی جهت حفظ تولید و اشتغال و جلوگیری از تعطیلی و فرسودگی ماشین‌آلات و رعایت غبطه بستانکاران در صورت عدم توفیق در فروش یا احیاء مجموعه مطابق مقررات و ضوابطی واحد تولیدی مزبور را پس از تایید اهلیت متقاضی به اجاره واگذار می‌گردد مانند شرکت نساجی اردبیل.

۱- به نظر می‌رسد که یکی از راهکارهای احیاء حقوق عامه در قالب قانون اجرای سیاست‌های است که در زمینه کارخانجات ورشکسته منجر به شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی ملی، گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تامین عدالت اجتماعی، ارتقاء کارایی بنگاه‌های تولیدی‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مالی و انسانی و فناوری، افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی و بویژه افزایش سهم بخش‌های خصوصی در این زمینه می‌شود.

۲- به نظر می‌رسد که وظیفه دستگاه قضائی اجرای قانون در مورد ورشکستگی‌های شرکت‌هاست که باید از طریق اجرای مزایده، بدهی شرکت پرداخت و فعالیت آن متوقف شود، اما رویه دستگاه قضائی حمایت از تولید و احیای این شرکت‌ها در راستای تحقق حقوق عامه و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و عمل به منویات رهبر معظم انقلاب و ریاست قوه در حوزه اشتغال و تولید است. در این تحقیق به صورت عملیاتی مثال این فعالیت مجدد که توسط قوه قضائیه صورت گرفته عنوان خواهد شد.

۳- به نظر می‌رسد که دولت و بانک مرکزی باید تمامی کارخانجات را به دو گروه ورشکسته و قابل نجات تقسیم گردد. در این تقسیم‌بندی کارخانجات که دارایی و مجموع اموال آن‌ها بیش از تعهدات باشد در گروه قابل نجات قرار می‌گیرد. به عقیده صاحب‌نظران این گروه از کارخانجات هم‌آن‌هایی هستند که فاقد دارایی نقدی بوده اما از پشتوانه خوبی برخوردار هستند. بعد از صدور حکم ورشکستگی و ارجاع حکم به مدیر تصفیه مدیر تصفیه نسبت به دریافت استعلام از مراجع مربوطه و شناسایی بستانکاران و نیز با تعیین کارشناس رسمی دادگستری جهت مشخص نمودن میزان دارایی‌های آن و سپس گروه بندی بستانکاران طبق ضوابط اداره ورشکستگی اقدام می‌نماید.

### منابع و مراجع

- ۱- دالزر، رودلف و شرورث، کریستف ۲۰۰۸؛ اصول حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، ترجمه‌ی قاسم زمانی و به آذین حسینی، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۰
- ۲- دمیرچلی، محمدوحاتمی، علی وقرائی، محسن، ۱۳۸۸. ق.ت. درنظم حقوقی کنونی، انتشارات دادستان، تهران، پاورقی ماده ۴۸۹، ص ۷۹۲
- ۳- شیروی، عبدالحسین، ۱۳۹۰، حقوق تجارت بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت.
- ۴- حقیری، محمد، ۱۳۸۶، «سیاست‌ها و راهکارهای لایحه راجع به بازسازی و ورشکستگی» نشریه وزارت بازرگانی، دفتر مطالعات اقتصادی، ص ۷۵.
- ۵- حقیری، محمد، ۱۳۸۸ حقوق بازرگانی ورشکستگی، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، تهران، ص ۵۲۳
- ۶- حقیری، محمد، ۱۳۷۶. حقوق بازرگانی، ورشکستگی نظری و عملی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۷- صفایی، سید حسین، ۱۳۹۰، قواعد عمومی قراردادهای، نشر میزان، تهران،
- ۸- عبادی، محمدعلی، ۱۳۹۱، حقوق تجارت، کتابخانه گنج دانش، تهران،
- ۹- قائم‌مقام فراهانی، محمدحسین ۱۳۶۸، حقوق تجارت: ورشکستگی و تصفیه، تهران انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۰- قائم‌مقام فراهانی، محمدحسین، ۱۳۸۹؛ ورشکستگی و تصفیه، تهران، انتشارات میزان
- ۱۱- کاویانی، کورش، ۱۳۸۹، حقوق شرکت‌های تجاری، تهران، انتشارات میزان.
- ۱۲- کاویانی، کورش، ۱۳۹۱، حقوق ورشکستگی، تهران، انتشارات میزان.
- ۱۳- کریمیان، شهاب‌الدین، ۱۳۹۴، توقف تاجر از پرداخت دیون در قانون تجارت ایران و رابطه آن با نهاد بازسازی در لایحه قانون تجارت سال ۱۳۹۱ شمسی
- ۱۴- مهرآرام، پرهام؛ ۱۳۹۵ جایگاه و صلاحیت نهاد دادستانی؛ تهران : پژوهشگاه قوه قضاییه.
- ۱۵- اسماعیلی، حسن، ۱۳۹۰ مقاله تحلیل فرایند ورشکستگی و احکام مرتبط با آن، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین.
- ۱۶- قنوازی، جلیل، کهنمویی، محمدرضا، ۱۳۸۹، بررسی نهاد بازسازی در قانون ایالات متحده و مقایسه‌ی آن با قرارداد ارفاقی، مجله‌ی مدرس علوم انسانی- پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره‌ی چهاردهم، شماره‌ی چهارم، زمستان
- ۱۷- میرزائی فرد، یزدان، ۱۳۹۳. قرارداد ارفاقی پیشگیرانه در لایحه قانونی جدید تجارت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
- ۱۸- نوری پور، محسن، ۱۳۹۳. ورشکستگی در حقوق ایران، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران